

چگونگی کاربست قدرت در استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران: یک تحلیل گفتمان انتقادی

ابراهیم خلیلی*

علی خورسندی طاسکوه**

سعید غیائی ندوشن***

حمیدرضا آراسته****

چکیده

در بررسی و تحلیل ماهیت استقلال دانشگاهی در نظام های آموزش عالی، ارزیابی و تبیین رابطه میان دو نهاد دولت و دانشگاه از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. به میزانی که دولت بر سیاست گذاری های آموزش عالی دخالت و کنترل دارد، به همان تناسب اصل استقلال دانشگاه با چالش روبرو شد. پژوهش حاضر با هدف فهم و تبیین چگونگی حضور و اثرگذاری نهاد قدرت بر آموزش عالی ایران انجام شده است. روش این پژوهش متأثر از رویکرد نورمن فرکلاو، «تحلیل گفتمان انتقادی» بود. اسناد و متون موردمطالعه این پژوهش شامل کلیه متون و منابع نوشتاری و گفتاری است که پیرامون شرایط استقلال دانشگاهی در ایران و در ابعاد چهارگانه استقلال سازمانی، علمی، مالی و استخدامی مطرح بود. با توجه به رویکرد تحلیل گفتمان، روش عملی جمع آوری داده ها، مرور اسناد است. یافته های پژوهش نشان داد، نهاد دولت از طریق عوامل مختلفی بر هر چهار نوع استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران تأثیر می گذارد. این عوامل به سه دسته «نظارتی و کنترلی»، «اداری و حقوقی» و «مالی و آموزشی» تقسیم و طبقه بندی شده اند. با استناد به یافته های این پژوهش، مطالبه صنفی و تلاش اجتماع علمی برای غلبه بر سیاست ها و رویه های کنونی اعمال قدرت از سوی نهاد دولت بر استقلال دانشگاهی در ایران اکیداً پیشنهاد می شود. علاوه بر آن، «تعدیل نگرش های سیاسی»، «بازنگری دیدگاه سنتی و دولت گرا در حکمرانی آموزش عالی» و «تلاش برای احیای استقلال استخدامی دانشگاه ها» سه پیشنهاد سیاستی اصلی در احیای استقلال دانشگاهی در ایران قلمداد می شود.

واژه های کلیدی: استقلال دانشگاه، تحلیل گفتمان انتقادی، دولت، رویکرد نورمن فرکلاو، قدرت

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته آموزش عالی (گرایش مدیریت آموزش عالی) دانشگاه علامه طباطبائی است.

* دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه علامه طباطبائی

** استادیار دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) khorsandi@gmail.com

*** استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

**** استاد دانشگاه خوارزمی

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۵

مقدمه

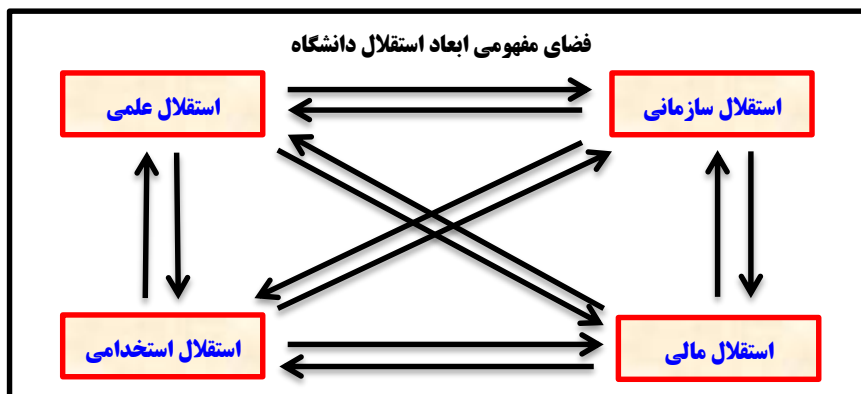
دانشگاه‌ها به‌عنوان زیر نظام آموزش عالی در فرایند توسعه کشورها، نقش حیاتی و کلیدی در پاسخگویی به نیازهای اساسی جامعه بر عهده دارند (همایون‌آریا، یمنی دوزی سرخابی، صفری فارفار، ۱۳۹۱). امروزه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دیگر نمی‌توانند و نباید به نیازمندی‌هایی که در جامعه برای نیروی انسانی آماده و تحصیل کرده وجود دارد و منحصرأ خود این مؤسسات می‌توانند تأمین‌کننده آن باشند، بی‌تفاوت باشند (هاشمی، افجه‌ای، دهقانان، خاشعی، ۱۳۹۶). تحقق چنین مأموریتی از سوی آموزش عالی، وجود استقلال در دانشگاه‌هاست. «استقلال دانشگاه^۱» از ارزش‌های اساسی و پایه‌ای آموزش عالی است.

فراستخواه (۱۳۸۹)، نقادی را مهم‌ترین کارکرد دانشگاه می‌داند و معتقد است، این نقادی نمی‌تواند در شرایطی صورت بگیرد که دانشگاه به ابزاری برای ایدئولوژی‌های مذهبی و سیاسی، بازوی فکری طبقه‌ای حاکم تقلیل پیدا بکند. تفحص و نقد علمی مستلزم استقلال کامل دانشگاهی است. استقلال دانشگاهی یعنی خود دانشگاهیان، نظام دانشگاهی را مدیریت و کنترل نموده و تصمیمات مربوط به آن را در درون دانشگاه می‌گیرند. این تصمیمات ابعاد مختلفی را در برمی‌گیرد از جمله برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، شرایط پذیرش استاد و دانشجو، امتحانات و ارزشیابی، شرایط صدور گواهی دانش‌آموختگی، سنجش کیفیت و اعتباربخشی و سرانجام نحوه تخصیص منابع (نقل در بروباکر^۲، ۱۹۷۷). استقلال دانشگاه به میزان وابستگی یا مستقل بودن یک دانشگاه از نهادهای دیگر مانند دولت یا شرکت‌ها اشاره داشته و عقیده قلبی همه دانشگاهیان در سراسر جهان است. نقطه مرکزی این موضوع بر این باور، استوار است که لیبرالیسم، فلسفه ضروری برای آزادی در اکتشاف و گسترش مرزهای علم بدون دخالت هیچ‌گونه آژانس یا سیاست دولتی و دیکتاتوری، در تمامی حوزه‌های حیات و تمدن است (صوفین و وونگ^۳، ۲۰۱۴). استقلال دانشگاه به این معنی است که دانشگاه بتواند به‌عنوان یک نهاد توانمند خود را اداره کند و دارای مدیریت خودگردان باشد و از اختیارات اداری، مالی، تشکیلاتی، برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پژوهشی و امثال آن برخوردار باشد. البته،

1. university autonomy
2. Brubacher, J. S.

3. Sufean, H. & Wong, S.

استقلال دانشگاه‌ها به معنی خودکامگی و جدایی از حاکمیت و ارزش‌های حاکم بر یک جامعه و خروج از قانون و قانون‌مداری نیست (زاهدی‌اصل، ۱۳۹۶). مهم‌ترین تحقیقاتی که ابعاد استقلال دانشگاه را به‌طور کامل، موردبررسی و نقد قرار داده است به تحقیقات انجمن دانشگاه‌های اروپایی برمی‌گردد. این پژوهش‌سی‌وچهار کشور این اتحادیه را با بیش از سی شاخص در چهار حوزه استقلال سازمانی^۱، استقلال علمی^۲، استقلال مالی^۳ و استقلال استخدامی^۴ مورد مقایسه قرار داده است (استرمن^۵، ۲۰۱۷). تحقیقات این انجمن، به‌صورت سلسله‌وار و همسو صورت گرفته که نسخه اولیه آن در سال ۲۰۰۹ انتشار یافته و در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۷ ویرایش‌های بعدی آن، منتشر شده است. این پژوهش برای ایجاد یک روش‌شناسی مناسب جهت جمع‌آوری، مقایسه و وزن اطلاعات مربوط به استقلال دانشگاه‌ها در قالب یک مجموعه مدل اساسی و محوری از شاخص‌های خودمختاری، صورت گرفته است. مفاهیم ابعاد چهارگانه استقلال دانشگاهی در ادامه آمده است.



شکل ۱. فضای مفهومی و مدل ارتباط متقابل ابعاد استقلال دانشگاه (غیائی‌ندوشن و خلیلی، ۱۳۹۷)

استقلال سازمانی به معنای وجود استقلال و ظرفیت تصمیم‌گیری برای ساختار داخلی و مأموریت‌های خاص در دانشگاه است (کوتباور^۶، ۲۰۰۸) یا به معنای ظرفیت دانشگاه‌ها برای طراحی، اجرا و اصلاح ساختار و انتخاب نهادهای حاکم است (میچاویلا و مارتینز^۷، ۲۰۱۸).

1. organizational Autonomy
2. academic autonomy
3. financial autonomy
4. staffing autonomy

5. Estermann, T.
6. Kothbauer, M.
7. Michavila, F. & Martinez, J.

استقلال علمی شامل توانایی در معرفی برنامه‌های جدید، تصمیم‌گیری در مورد محتوای دوره‌ها و تعداد کلی دانشجویان برای این برنامه‌ها است (سرکان^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). هایس^۲ (۲۰۱۶)، آزادی علمی را آزادی حرفه‌ای می‌داند و معتقد است که آزادی علمی یک «طیف^۳» است که در یک سر انتهای آن، «مکتبی^۴» قرار دارد که از شغل دانشگاهی به این تعبیر که «این فقط یک شغل است^۵» یاد نموده که دانشگاهیان را به‌عنوان کارمند استخدام شده برای انجام کار خاص، با آزادی محدود در آن حوزه در نظر می‌گیرد و در سر دیگر آن که معمولاً دست‌نیافتنی است تعبیر واقعی از آزادی علمی که همان آزادی بیان، عقیده و نوشته بدون محدودیت دانشگاهیان است قرار دارد.

استقلال مالی، پایه استقلال دانشگاه بوده و به تنظیم شهریه، امکان قرض گرفتن و جنبه‌های اقتصادی و مالی دیگر مرتبط است (میچاویلا و مارتینز، ۲۰۱۸). در واقع، نوعی از آزادی برای موسسه است که از منابع مالی موجود در اختیارش، به «نحوی محتاطانه^۶» با توجه به اولویت‌های خود بهره‌گیر (مهتا^۷، ۲۰۰۵)؛ یعنی دانشگاه‌ها در تخصیص، توزیع و جذب منابع مالی، اعم از دولتی، غیردولتی، کمک‌های مردمی، موقوفات و امثال آن‌ها از آزادی عمل کامل برخوردار باشند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶).

استقلال استخدامی شامل توانایی استخدام کارکنان دانشگاهی و مدیریتی، تنظیم حقوق و رویه‌های ارتقای اساتید و کارکنان است. امروزه با وجود اینکه تقاضا برای آموزش عالی افزایش یافته است، اما توجه کمتری به تأثیر «کارکنان دانشگاهی^۸» می‌شود (بریف^۹، ۲۰۱۷). اعضای هیئت علمی به دلیل سهم عمده‌شان در انجام آموزش، تحقیق و تولید علم و اثرگذاری نتایج فعالیت آن‌ها در سواد دانشجویان، موقعیت دانشگاه، ارزیابی و رتبه‌بندی علمی دانشگاه محل خدمت از متولیان اصلی دانشگاه محسوب می‌شوند (جناآبادی، عزیزی‌نژاد، ۱۳۹۵). استقلال استخدامی، به‌کارگیری آزادانه کارکنان دانشگاهی، افزایش بهره‌وری و رضایتمندی از دانشگاه را به همراه خواهد داشت (مارتین^{۱۰}، ۲۰۱۸).

1. Serkan, I., Ferda, O., & Emin, M.
2. Hayes, D.
3. spectrum
4. school
5. it's just a job

6. prudent way
7. Mehta, R.
8. academic staff
9. Brief, E.
10. Martin, M.

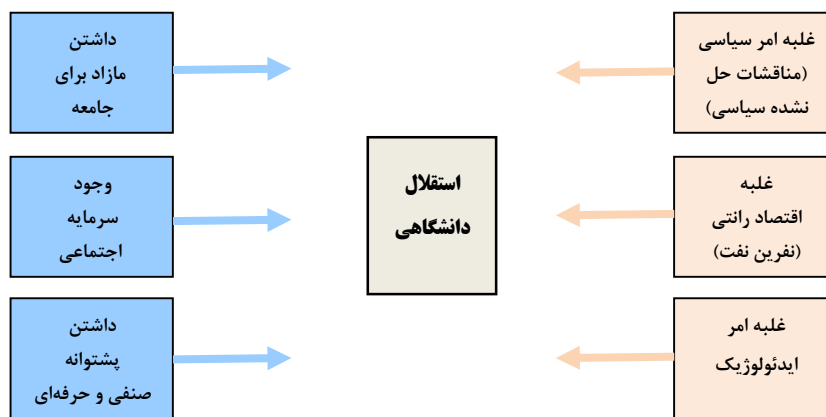
دانشگاه‌ها در احاطه ترکیب پیچیده‌ای از نیروهای اجتماعی قرار دارند. آزادی علمی و استقلال نهادی بعضی اوقات تحت تهدید قرار می‌گیرند زیرا «آموزش عالی تحت کنترل ملی است»^۱ (بلاد^۲، ۲۰۱۸). آزادی علمی و حتی فراتر، استقلال نهادی اغلب در رابطه بین نهادها و مقامات دولتی دیده می‌شود. به همین دلیل، استقلال دانشگاهی به معنای عام، استقلال از نیروها و فشارهای بیرونی است اما در واقع، استقلال از دولت است (گروه بولونیا^۳، ۲۰۱۶). فاضلی (۱۳۹۳)، «منظور از استقلال را در نوع خاص رابطه میان دولت و دانشگاه می‌داند که در آن دولت ضمن حمایت از فعالیت‌های دانشگاهی، از دخالت در آن نیز اجتناب می‌کند». آزادی علمی و تنوع نهادی از «روابط قانونی بین مؤسسات آموزش عالی و مقامات دولتی» که اغلب به‌عنوان «دولت» شناخته می‌شود نشئت می‌گیرد (برگان^۴، ۲۰۱۸). به تعبیر فراستخواه (۱۳۸۹)، استقلال دانشگاهی یعنی «موسسه آموزش عالی مجاز باشد بدون دخالت و تأثیر مستقیم نیروی خارج از دانشگاه، به اداره امور پردازد»، اما واقعیت آموزش عالی، مداخله اغلب دولت‌ها در دانشگاه‌ها و اعمال قدرت در آن‌ها است. غالب دانشگاه‌ها به لطف بدنه سیاسی وجود دارند و به شرطی اجازه حیات می‌یابند که دولت بخواهد. روابط میان دولت و دانشگاه همیشه پرتنش و متعارض بوده است (یاسپرس^۵، ۱۳۹۴). میزان مداخله و اعمال قدرت دولت در کشورهای مختلف بر آموزش عالی، متفاوت بوده و وابستگی بسیار زیادی به «پس‌زمینه خاص تاریخی، اجتماعی و فرهنگی»^۶ یک کشور دارد (استرمن، ۲۰۱۷). به‌عبارتی دیگر، استقلال دانشگاه به لحاظ عملیاتی به‌عنوان درجه وابستگی یا استقلال، در ارتباط با برخی از صاحبان قدرت و تبیین مسیر سیاست‌ها و اقدامات ضروری تعریف شده است (صوفین و وونگ، ۲۰۱۴). لذا این مهم، اهمیت و ضرورت بررسی و تبیین وضعیت‌های متفاوت استقلال دانشگاهی برای هر کشور را به‌روشنی ترسیم می‌نماید.

روابط و نزاع بین فلسفه و ضرورت استقلال دانشگاه و قدرت (دخالت و فشارهای دولتی)، همیشه در آموزش عالی مورد بحث بوده است. دانشگاه‌ها با استناد به مواضع بنیادین استقلال دانشگاهی، بر استقلال خود تأکید داشته و دولت‌ها نیز با تأکید بر حمایت

1. higher education is under national control
2. Bladh, A.
3. Bologna Group
4. the state

5. Bergan, S.
6. Jaspers
7. specific historical, social and cultural background

به‌خصوص مالی از دانشگاه‌ها، با استفاده از ابزارهای مختلف، در دانشگاه‌ها دخالت و استقلال آن‌ها را به چالش کشیده و در حقیقت اعمال قدرت می‌نمایند. منظور از «قدرت» در گفتمان استقلال دانشگاهی، نیروهایی است که از بیرون محیط یا سیستم دانشگاه، به این سامانه در جهت تأمین انتظارات، نظرات، منافع و اهداف خود به انحای مختلف، فشار وارد می‌نمایند تا بتوانند به هر طریقی، کامیابی بیشتری داشته و به همان اندازه استقلال دانشگاه را به مخاطره می‌اندازند. در مرکز ثقل این نیروها، قدرت دولت قرار دارد. فراستخواه (۱۳۹۶)، استقلال دانشگاهی در ایران را در یک‌صد سال گذشته، در مواجهه بین سه امر پیش‌برنده^۱ و سه امر بازدارنده^۲ قرار داده است.



شکل ۲. مواجهه بین امور بازدارنده و پیش‌برنده استقلال دانشگاهی ایران (فراستخواه، ۱۳۹۶)

با نگاهی به توصیفی که از مداخلات قدرت در استقلال دانشگاهی ایران به عمل آمده است به نظر می‌رسد که وزن سه امر بازدارنده (غلبه امر سیاسی، غلبه اقتصاد رانتی و غلبه امر ایدئولوژیک) که نقش‌های اصلی و محوری، اعمال قدرت دولت در آموزش عالی کشور را بر عهده دارند به مراتب بیشتر از امور پیش‌برنده است.

در ایران معاصر، نهاد دانشگاه در نتیجه روند مدرنیزاسیون بی‌بنیاد ایرانی و الگوبرداری‌های صوری از جوامع غربی به شکل تحمیلی پدید آمد (چیت‌سازان، ۱۳۸۸). جدال بر سر نحوه و حدود استقلال همیشه بین دانشگاهیان و دولتمردان جریان داشته است. این کشمکش‌ها در حقیقت جدال بین متن‌ها (قوانین، سیاست‌ها و مصوبات) و ساختارها (ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اداری و ...) است. جدال بین

1. driving forces

2. restraining forces

اقتضائات محیط علمی با رویه‌های بوروکراتیک و تضاد بین آزادی علمی و تصلب ساختار اداری است (سیاسی، ۱۳۸۷). در بررسی تاریخی از استقلال دانشگاهی در ایران، به عوامل مختلفی که مانع از شکل‌گیری استقلال مطلوب باشد برخورد می‌نماییم. وجود حساسیت‌های غیرآکادمیک، تکرر حضور نیروهای غیرآکادمیک در اتمسفر آموزش عالی، آشفتگی فلسفی و ضعف معرفتی نهاد دانشگاه و نیز چالش تاریخی هویت و آشفتگی کارکرد، از موانع جدی استقلال دانشگاه در آموزش عالی ایران هستند (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶). برخی از ساختارهایی که در برابر «متن‌های معطوف به استقلال و آزادی آکادمیک» در ایران کنونی مقاومت می‌کنند، عبارت‌اند از: غلبه سیاست و ایدئولوژی مذهبی و تمامی‌خواهی بر آموزش عالی و مدیریت دانشگاهی، دیدگاه سنتی و دولت‌گرا در سیاست‌گذاری آموزش عالی، میل به تمرکز در دیوان‌سالاری دولت و تسری آن بر مدیریت دانشگاهی، عادات و رویه‌های مألوف در فرهنگ‌سازمانی «مدیریت دولتی» که حتی بر اداره دانشگاه‌ها سایه‌انداز بوده است، فقدان تنوع کافی در منابع مالی و اعتباری دانشگاه‌ها و ضعف تکنیک‌های مدیریت مالی در آن‌ها، ضعف بخش خصوصی و غیردولتی و NGOها و نهادهای مدنی در کشور از جمله در عرصه علم، ضعف نهادهای دانشگاهی و اجتماع علمی (فراستخواه، ۱۳۸۹).

در «تحلیل گفتمان انتقادی»^۱ که به «CDA» شهرت یافته است، قدرت ابزاری در اختیار افراد، گروه‌ها، احزاب یا دولت است و نوک تیز نقد در این رویکرد، متوجه کانون‌های قدرتی است که عاملان روابط نابرابر هستند (وداک^۲، ۲۰۱۱). فرکلاو^۳ CDA را توسعه یک چارچوب تحلیلی (تئوری و متد) برای مطالعه زبان در رابطه با قدرت و ایدئولوژی دانسته و عنوان می‌کند که CDA در جستجوی این است که گفتمان چگونه در روابط قدرت درگیر شده است (فرکلاو، ۲۰۱۲). وی در رویکرد خود به تبیین قراردادهای موجود می‌پردازد، قراردادهایی که نتیجه روابط قدرت و نزاع بر سر آن هستند (آقاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶). CDA مبنایی برای مطالعه قدرت است. مطالعات گفتمان انتقادی، تمایل دارد که موارد سوءاستفاده از قدرت را نمایش دهد که از طریق گفتارها و مفاهیم بیان شده و نتیجه آن سلطه و فشار است. قدرت نزد فرکلاو، نامتقارن، نابرابر و سلطه‌آور و به طبقه یا گروه خاصی تعلق دارد (فرکلاو، ۲۰۱۰).

1. critical discourse analysis
2. Wodak, R.

3. Fairclough, N.

در این پژوهش منظور از کانون قدرت، همان قدرت دولت است. در بررسی اولیه از وضعیت استقلال دانشگاهی در آموزش عالی ایران، به دلایل مختلف مالی، استخدامی، حکمرانی، حقوقی و ... حضور فراگیر دولت در آموزش عالی و دانشگاه‌ها را ملاحظه می‌نماییم که با توضیحات پیشین، مداخله دولت در آموزش عالی بر اساس رویکرد CDA به اعمال قدرت تعبیر می‌شود. قدرت مفهوم مرکزی در مطالعات گفتمان انتقادی است. فرکلاو پیشنهاد می‌کند CDA باید تحلیل تأثیر قدرت، نتایج قدرت، نتیجه اعمال قدرت بر مردم، گروه‌ها و جوامع و چگونگی تأثیر این قدرت را ارائه دهد (راجرز، ۲۰۱۱). لذا با توجه به انتظاراتی که فرکلاو در بررسی از قدرت مدنظر قرار می‌دهد در چگونگی کاربست قدرت در استقلال دانشگاهی ایران از منظر وی، سؤالات زیر در این پژوهش مورد تأمل قرار گرفته است:

- دلایل اعمال قدرت بر استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران چگونه است؟
- روش‌های اعمال قدرت بر استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران چگونه است؟
- نتایج اعمال قدرت بر استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران چگونه است؟

روش

به لحاظ روش تحقیق، این پژوهش در زمره تحقیقات تحلیل گفتمان که از راهبردهای پژوهش کیفی است قرار دارد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه متون (زبان نوشتاری یا گفتاری)^۲ است که پیرامون وضعیت استقلال دانشگاهی ایران بکار برده می‌شوند. کلیه مقاله‌ها، کتاب‌ها و تحقیقات کاربردی مربوط یک دهه گذشته و آئین‌نامه‌های مرتبط و مرجع بعد از انقلاب اسلامی ایران در ارتباط با استقلال دانشگاهی ایران (به‌عنوان متون نوشتاری) و نظرات، تفاسیر و انتقادات صاحب‌نظران (به‌عنوان متون گفتاری)، به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش محسوب می‌شوند. نمونه‌گیری بر اساس راهبرد تحقیقات CDA، هدفمند بوده است. در رساله تحقیقاتی مرجع این مقاله، از متون گفتاری حاصل از مصاحبه با ۱۱ نفر از مسئولین، استادان و صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی و استقلال دانشگاهی، بهره‌برداری شده است. در این پژوهش، بر حسب نیاز، به متون گفتاری مصاحبه با ۵ نفر از اعضای نمونه آماری (یک نفر از روسای دانشگاه‌های برتر کشور، یک نفر از اعضای هیئت‌علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

و سه نفر از اساتید برجسته دانشگاه‌های برتر کشور) در بخش یافته‌های پژوهش، اشاره شده که به دلایل مختلف از ذکر اسامی آن‌ها خودداری گردید. روش عملی جمع‌آوری داده در این پژوهش شامل مرور اسناد است. داده‌ها در این پژوهش به دو طریق گردآوری شده‌اند: ۱) گردآوری داده‌ها از متون مختلف نوشتاری با استفاده از مرور اسناد برای استخراج گزاره‌ها و معانی استقلال دانشگاهی؛ ۲) گردآوری داده‌ها از متون گفتاری (نهادها و افراد) با استفاده از مصاحبه‌های غیرساختمند. بدین منظور پژوهشگران گام‌های زیر را طی نموده‌اند:

- جستجو و تمام شماری در کلیه متون و ادبیات تحقیق، نقدها و مصاحبه‌ها، قوانین، آئین‌نامه‌ها و مقررات مدون آموزش عالی ایران که در زمینه استقلال یا عدم استقلال دانشگاه‌ها در ابعاد مختلف، مطلب یا متن و نظر ثبت شده است؛
- مطالعه و بررسی متن و زمینه (بستر) تحولات پیرامون استقلال دانشگاهی در آموزش عالی ایران؛
- تحلیل کیفی عبارات و شاخص‌های استخراج شده و ظرفیت‌شناسی آن‌ها با دیدگاه تفسیری و انتقادی از طریق کنار هم قرار دادن آن‌ها و درنهایت نیل به استنباط و ایجاد شناخت جامع از وضعیت استقلال دانشگاهی آموزش عالی ایران بر اساس اعمال قدرت از سوی دولت.

یافته‌ها

در این بخش قصد داریم پس از ترسیم وضعیت کنونی استقلال دانشگاهی در ایران بر اساس اعمال قدرت دولت، با توجه به سؤالات پژوهش، تحلیل انتقادی مناسبی از اعمال قدرت دولت بر استقلال دانشگاهی نظام آموزش عالی ایران از منظر فرکلاو، ارائه نماییم. در ایران از اواسط قرن نوزدهم مؤسسات آموزش عالی سنتی احداث گردیدند. از آنجاکه این مؤسسات از متن تحولات درونی سنت‌های تعلیمی و تحقیق این جامعه و در بستری از سیر تکاملی و توسعه این سنت‌ها به وجود نیامدند فاقد ریشه‌های هنجاری قوی و نظام حرفه‌ای درون‌زا بودند. همچنین این مؤسسات به علت فقدان یا ضعف نهادهای رقیب غیردولتی در درون دولت به وجود آمدند. این عوامل سبب شد که نگاه دولت به دانشگاه‌ها همواره نگاه ابزاری باشد (فراستخواه، ۱۳۸۹). انبوه قوانین و مقررات حاکم بر نظام آموزش عالی ایران با روح و ساختار متمرکز تشکیلات و نظام اداری کشور هماهنگ است و فضا و زمینه لازم را برای اجرای قوانین و مقررات مربوط به استقلال دانشگاه‌ها (به‌ویژه ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳ و ماده ۲۰ قانون

برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۹۰) ایجاد نمی‌کنند. نظام دیوان‌سالار و متمرکز کنونی ایران توانایی هدایت مراکز آموزش عالی را ندارد. نظام آموزش عالی به‌عنوان زیر نظامی از دولت و با ساختار متمرکز در اموری چون پذیرش دانشجو، برنامه‌ریزی درسی، تخصیص بودجه، انتصاب رئیس دانشگاه و گزینش اعضای هیئت‌علمی و کارکنان، کارایی خود را از دست داده است. جاودانی^۱ و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیق خود بیان می‌دارند که ۷۱٪ مدیران عالی آموزش عالی ایران، تمرکزگرایی، حاکمیت دیوان‌سالاری سنتی و شکل نگرفتن استقلال آکادمیک را جزو نقاط ضعف آموزش عالی ایران می‌دانند و مداخله‌گری دولت در نظام آموزش عالی را از تهدیدات آن به شمار می‌آورند.

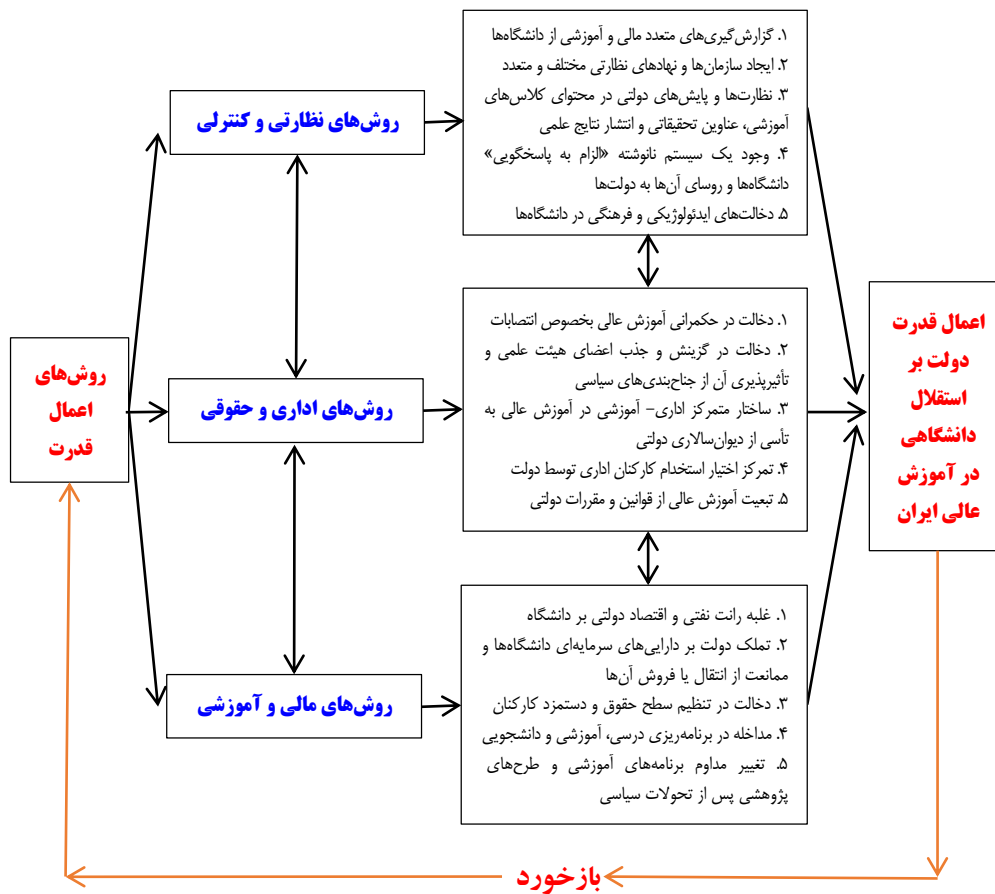
در پاسخ به سؤال اول پژوهش، یافته‌ها نشان می‌دهد بیشتر مشکلات و مسائل خودمختاری دانشگاهی در ایران در قبال قوه مجریه بوده و دولت ایران بیش از ظرفیت‌های قانونی در امور دانشگاه‌های خود دخالت می‌نماید. اغلب مؤسسات آموزشی و دانشگاهی در ایران، معمولاً توسط دولت ایجاد شده و تحت کنترل دولت نیز هستند. علاوه بر این، معمولاً مشاهده می‌شود که رؤسای و معاونان دانشگاه‌های دولتی معمولاً توسط دولت‌ها منصوب می‌شوند. روابط میان دولت و دانشگاه در ایران تقریباً همیشه پرتنش و متعارض بوده است. دولت به‌سادگی می‌تواند بر دانشگاه سلطه داشته باشد زیرا دانشگاه‌ها در ایران، بدون دولت ناتوان هستند. در یک بررسی تاریخی پیرامون تعامل بین دولت و جامعه دانشگاهی، می‌توانیم قضاوت نماییم که همواره یک رابطه یک‌سویه از بالا به پایین وجود داشته و کمتر می‌توان عنوان تعامل بر آن گذاشت و وزن مداخله، به‌مراتب بیشتر از تعامل است. بر طبق نظر فرکلاو، قدرت، نامتقارن، نابرابر و سلطه‌آور بوده و به طبقه یا گروه خاصی به نام دولت در آموزش عالی کشور تعلق دارد. مهم‌ترین دلایل اعمال قدرت از سوی دولت بر نظام آموزش عالی ایران، به شرح زیر است:

جدول ۱. دلایل اعمال قدرت بر استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران

دلایل	فضای موجود
تمرکزگرایی و دیوان‌سالاری	دیوان‌سالاری دولتی و نظام متمرکز اداری و آموزشی کشور، اساساً اجازه استقلال به دانشگاه‌ها نمی‌دهد و از هر زاویه‌ای، فضا برای دخالت و اعمال قدرت دولت در آموزش عالی فراهم است.

دلایل	فضای موجود
مسئولیت دولت	مسئولیت نهایی کیفیت و تلاش علمی دانشگاه‌ها، بر عهده دولت بوده و دولت باید در این زمینه پاسخگو باشد. دولت خود را متولی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان دانسته و دانشگاه‌ها را فاقد اطلاع کافی و موردنیاز از سیاست‌ها و برنامه‌های کشوری در آموزش عالی می‌داند.
مسائل تاریخی	دانشگاه در درون دولت شکل گرفته و قدرت فراگیر دولتی همواره در دانشگاه قابل مشاهده است.
سیطره مالی دولت	وابستگی شدید آموزش عالی به منابع دولتی، باعث شده که دولت‌ها به دلیل حمایت مالی از آموزش عالی (برخلاف رویه‌های جهانی)، انتظار دخالت و پاسخگویی از دانشگاه‌ها را داشته باشند.
مسائل سیاسی	گروه‌ها و جناح‌های سیاسی، برای حفظ منافع و قدرت خودشان تلاش می‌کنند در مسائل آموزش عالی نقش داشته باشند. بدون شک در این بین، دولت، بیشترین سهم‌خواهی را خواهد داشت.
مسائل فرهنگی	در نگاه دولت، دانشگاه‌ها، نهادهای فرهنگی بوده که باید از طریق مداخله در آن‌ها، از استقلال فرهنگی کشور حفاظت نمود.
سهم‌خواهی از آموزش عالی	میزان مداخله دولت و جناح‌های مختلف، به دلیل انتظار برای تأمین منافع همه است. هر طیفی می‌خواهد سهم بیشتری از آموزش عالی یا وزارتخانه داشته باشد.
قوانین و ساختار حقوقی	ساختار حقوقی دانشگاه‌ها در کشور ما، اجازه استقلال به دانشگاه‌ها را نمی‌دهد. در نگاه مجلس، وزیر علوم مسئول تمام اتفاقاتی است که در دانشگاه‌ها رخ می‌دهد. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی برای دانشگاه‌ها حکم قانون را دارد و کاملاً الزام‌آور است.
عدم مطالبه ساختارمند استقلال از سوی دانشگاهیان	آموزش عالی ایران دارای ضعف سنت‌های دانشگاهی و آکادمیک بوده و از زمان شکل‌گیری خود، آن‌چنان‌که باید نتوانسته توان و جوهره خود را برای کسب استقلال و اثرگذاری بیشتر در جامعه ایرانی به نمایش بگذارد.
غلبه تفکر ایدئولوژیک بر آکادمیک	دولت برای اینکه متقاعد شود دانشگاه‌ها از ساختار سیاسی و ایدئولوژیکی موردنظر تخطی نمی‌نمایند خود را ذی‌حق دخالت می‌داند. تفکر ایدئولوژیکی بر استقلال در آموزش عالی، غلبه دارد.
فقدان حسن ظن به آموزش عالی	وقتی نگاه مبتنی بر حسن ظن وجود نداشته باشد دانشگاه یک نهاد هزینه‌بر تلقی می‌شود به‌خصوص در شرایط خاص و تنگنای اقتصادی دولت.

همواره یک کشمکش پنهان و نانوشته‌ای بین دولت و دانشگاهیان در ایران وجود داشته است. از این‌رو برای پاسخ به سؤال دوم تحقیق، در بررسی کامل از مصادیق و روش‌های سوءاستفاده از قدرت دولت برای تحت تأثیر قرار دادن آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران، می‌توانیم به سه روش کلی اشاره نماییم که هر یک از این روش‌ها، خود دارای راهکارهای اجرایی بوده که در قالب شکل زیر تلاش شده به آن اشاره گردد:



شکل ۳. روش‌های اعمال قدرت بر استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران

شکل بالا بر اساس خروجی‌های حاصل از مبانی نظری پژوهش و روش‌های اعمال و مداخله قدرت دولت در استقلال دانشگاه‌ها و مبتنی بر ایده محققان شکل گرفته است. در یک جمع‌بندی از تمام رویکردهای اعمال قدرت بر استقلال آموزش عالی، به نظر می‌رسد که این روش‌ها، به سه دسته «نظارتی و کنترلی»، «اداری و حقوقی» و «مالی و آموزشی» تقسیم می‌شوند. دولت برای رسیدن به اهداف خود در اعمال قدرت بر آموزش عالی، برای هر یک از این روش‌ها، راهکارهای اجرایی متفاوتی را دنبال می‌نماید در شکل بالا، برای هر روش، پنج راهکار اصلی و اساسی استخراج و نمایش داده شود. نتیجه بهره‌گیری دولت از این روش‌ها و راهکارها، دارای نتایج نامطلوبی است که در ادامه برای پاسخگویی به سؤال سوم پژوهش، تشریح شده است.

اعمال قدرت دولتی و تقلیل نقش و خودمختاری دانشگاه‌ها در آموزش عالی هر کشوری می‌تواند از بازدهی و کیفیت آموزش عالی به شدت کاسته و اثرات مخربی را به همراه داشته باشد. اگر بخواهیم در یک نگاه کلی، نتایج اعمال قدرت بر استقلال دانشگاهی در ایران را در ابعاد چهارگانه استقلال دانشگاهی، موردبررسی و واکاوی قرار دهیم این اثرات در قالب جدول زیر دسته‌بندی شده است:

جدول ۲. نتایج اعمال قدرت بر استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران

ابعاد استقلال	نتایج اعمال قدرت بر استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران
استقلال سازمانی	حضور و مداخله ذی‌نفعان خارجی به‌ویژه دولتی در ساختارهای حکومتی دانشگاه‌ها؛ وجود ابهامات در ایجاد تغییرات قانونی حوزه آموزش عالی از سوی دولت‌ها؛ شکل‌گیری ساختارهای حکومتی و رهبری دانشگاه‌ها از سوی سیاستمداران یا متأثر از اراده‌های سیاسی آنان؛ برداشت نادرست دوسویه برخی از مسئولین دانشگاهی و دولت‌مدان کشوری از مفهوم استقلال دانشگاه؛ وجود یک سیستم نانوخته «الزام به پاسخگویی» دانشگاه‌ها به دولت‌ها.
استقلال مالی	عدم آزادی عمل در شهریه‌ها و تصمیمات تجاری به‌عنوان یک ضعف رقابتی در بازار آموزش عالی بین‌المللی؛ ارائه داده‌ها و اطلاعات لازم به خارج از مجموعه دانشگاهی و آموزش عالی در قبال دریافت کمک‌های دولتی؛ سطوح پایین بودجه عمومی (دولتی)؛ عدم وجود فضایی برای دانشگاه جهت انعقاد قراردادهای بلندمدت با شرکای تجاری؛ استقراض‌های مالی دانشگاه‌ها و وابستگی آنان به منابع مالی فردی (اشخاص حقیقی/حقوقی درون دانشگاه)؛ انگیزه نداشتن دانشگاه‌ها برای درآمدهای اختصاصی به علت حساس‌رسی دولتی و نداشتن اختیارات مالی مناسب.
استقلال علمی	تغییر مداوم برنامه‌های آموزشی و طرح‌های پژوهشی پس از تحولات سیاسی؛ مواجهه دانشگاه‌ها با چالش برنامه‌ریزی برای جذب دانشجو (اختصاص دانشجویان به دانشگاه‌ها توسط دولت)؛ تأثیرگذاری نگرش‌های سیاسی برخی از مدیران و مسئولین دانشگاهی بر فضای علمی و پژوهشی دانشگاه‌ها؛ تأثیرپذیری استقلال و طراوت علمی دانشگاه‌ها از کافی نبودن فضای آزاد علمی.

ابعاد استقلال	نتایج اعمال قدرت بر استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران
	دخالت دولت در گزینش و جذب اعضای هیئت‌علمی و تأثیرپذیری آن از جناح‌بندی‌های سیاسی؛
استقلال	وابستگی شدید استقلال استخدامی دانشگاه‌ها به تغییرات جامعه مانند مسائل و تحریم‌های اقتصادی؛
استخدامی	تأثیرپذیری دانشگاه‌ها از سیاست‌های عمومی دولت‌ها مانند کاهش تعداد کارمندان دولتی؛
	تمرکز اختیار استخدام کارکنان اداری دانشگاه‌ها توسط دولت؛
	دخالت مقامات دولتی در تنظیم سطح حقوق و دستمزد کارکنان دانشگاه‌ها.

نتیجه اینکه، استقلال دانشگاه در هر چهار بُعد، از دخالت‌های دولتی متأثر هستند. در حقیقت، نبود استقلال در هر یک از ابعاد، ناشی از دخالت‌های دولت و نادیده گرفتن حق خودگردانی دانشگاهیان در آن بخش بوده و هر چه دانشگاه‌ها، آزادی عمل بیشتری برای اقدامات سازمانی، مالی، علمی و استخدامی خود از سوی دولت دریافت نمایند به سمت تأمین استقلال بیشتر حرکت خواهند نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

در یک سیستم کاملاً متمرکز که همه منابع مالی، روندهای اداری، برنامه‌های آموزشی، آیین‌نامه‌ها و مقررات از سوی دولت تعیین گردد، مدیران به‌جز اجرای مصوبات نقش دیگری نداشته و اصولاً طرح مفاهیمی چون برنامه‌ریزی، تفکر، طراحی، خلاقیت، تصمیم‌سازی و پاسخگویی نیز جایگاه روشنی نخواهند داشت. نظام آموزش عالی و نهاد دانشگاه در ایران طی بیش از یک سده اخیر در قالب برنامه‌ها و سیاست‌های دولت شکل گرفته و توسعه‌یافته و همچنین مدیریت و کنترل می‌شود. وابستگی دانشگاه به دولت، کار ویژه اصلی این نهاد، یعنی تولید و ترویج دانش علمی را به‌شدت تحت تأثیر ملاحظات و اولویت‌های سیاسی، ایدئولوژیک و بوروکراتیک قرار داده و کم‌وبیش مختل ساخته است. مشکل در ایران آن است که نوعی دیوانسالاری دولتی، اقتصاد نفتی، الگوی ایدئولوژیک و رویکردهای سنتی است که تعیین‌کننده سیاست‌ها و برنامه‌ها و ساختار و فضای دانشگاه در ایران شده و نتیجه‌اش ناکارکرد شدن دانشگاه ایرانی و بازماندن آن از پویایی‌های لازم آکادمیک بوده است. دانشگاه ناآزاد یا دانشگاه آزاد صورت‌گرا هرگز مرزهای دانش را در نخواهد نوردید.

استقلال دانشگاه‌ها به‌طور چشمگیری به چشم‌انداز کلی دانشگاه و میزان دخالت سیاست وابسته است. در زمینه تعامل یا دخالت دولت در دانشگاه‌ها، به تفصیل بحث شده و در نهایت به این جمع‌بندی رسیدیم که دولت‌ها نه تنها در آموزش عالی ایران مداخله می‌نمایند بلکه به طرق مختلف (آشکار و پنهان)، بر استقلال دانشگاه‌ها اعمال قدرت نموده و تلاش می‌نمایند که احاطه کاملی بر حکمرانی، ورودی و خروجی‌های آموزش عالی داشته باشند. در زمینه دخالت و اعمال قدرت دولت بر آموزش عالی در ایران، تحقیقات مختلفی به بیان مطالب و مصادیق پرداختند. به نظر فراستخواه (۱۳۸۹)، قدرت فراگیر دولت و فقدان یا ضعف نهادهای رقیب غیردولتی، موجب شد که دانشگاه در درون دولت به وجود بیاید. زاهدی‌اصل (۱۳۹۶) در تحقیق خود اشاره می‌نماید که دولت ایران بیش از ظرفیت‌های قانونی در امور دانشگاه‌های خود دخالت می‌نماید. علاوه بر تحقیقات فوق، در پژوهش‌های خورسندی طاسکوه (۱۳۹۶)، چیت‌سازان (۱۳۸۸)، فراستخواه (۱۳۹۶)، فاضلی (۱۳۹۳)، ضیایی‌بیگدلی (۱۳۹۶) و غیره و مصاحبه با صاحب‌نظران، به صورت مبسوط، دخالت و اعمال قدرت دولت در آموزش عالی ایران، مورد بحث قرار گرفته که با نتایج این پژوهش، همخوانی دارد.

نهایتاً اینکه تقریباً در تمامی ابعاد استقلال دانشگاهی کشور، در نگاهی منصفانه، وزن قدرت و مداخله دولتی به مراتب بیشتر از جایگاه و حاکمیت ایده‌آل‌های آموزش عالی است. با توجه به یافته‌های تحقیق مبنی بر اعمال قدرت دولت بر استقلال دانشگاهی ایران، پیشنهاد‌های این پژوهش به منظور توسعه استقلال دانشگاهی کشورمان، در دو سطح اقدامات دانشگاهیان و دولتمردان ارائه شده است. در سطح دانشگاهیان، دو پیشنهاد «تلاش بیشتر دانشگاهیان و اجتماع علمی برای غلبه بر رویه‌ها و عادات کنونی و تحرک سامان‌مند و اثربخش از سوی آنان برای مطالبه استقلال» و «برنامه‌ریزی و پاسخگویی مناسب دانشگاه‌ها برای کسب اعتماد بیشتر دولت و جامعه در جهت تحقق انتظارات از آموزش عالی» بیشتر مورد انتظار است. برای دولتمردان، پیشنهاد‌های سیاستی «حذف دیدگاه سنتی و دولت‌گرا در حکمرانی و سیاست‌گذاری آموزش عالی و مداخلات غیرقانونی در دانشگاه‌ها»، «کاهش وابستگی دانشگاه‌ها به منابع دولتی و افزایش تنوع منابع و خوددرآمدی در آموزش عالی»، «تلاش برای کاهش نگرش‌های سیاسی در دانشگاه‌ها و استفاده ابزاری از آن»، «کاهش تمرکزگرایی، تصدی‌گری و دیوان‌سالاری دولت محیط‌های

دانشگاهی»، «کاهش ابهامات از آئین‌نامه‌ها و قوانین استقلال دانشگاهی و تلاش برای تدوین قانونی جامع» و «تلاش برای احیای استقلال استخدامی دانشگاه‌ها» مورد تأکید است.

در انجام این پژوهش، محدودیت‌های مختلفی وجود داشته است. اولین محدودیت، طاقت‌فرسا و سخت بودن حجم بالای جمع‌آوری، داده‌کاوی و انجام کار تحقیقاتی با توجه به راهبرد کیفی بوده که نیاز به تمرکز بالا، نمونه‌خوانی چندین‌باره و اختصاص زمان بسیار زیاد داشته است. محدودیت دیگر پژوهش، دسترسی سخت و هماهنگی زیاد برای انجام مصاحبه با برخی از اعضای نمونه گفتاری این پژوهش بوده که بعضاً در جایگاه‌های شغلی خاصی مشغول به کار هستند. تعداد زیادی از صاحب‌نظران آموزش عالی با وجود جذابیت موضوع، اصرارها و پیگیری‌های متعدد، همکاری لازم را برای انجام این پژوهش از خود نشان نداده‌اند که این موضوع نیز در راستای محدودیت‌های پژوهش، جای تأمل بسیار دارد. توضیح این نکته ضروری است که با مساعدت، دلسوزی و همراهی‌های علمی برخی از استادان و محققان و تلاش مضاعف محققان تا حدود زیادی این محدودیت‌ها و مشکلات مرتفع شده و نویسندگان تلاش نموده‌اند موانع و محدودیت‌های ذکر شده در روند بررسی و نتایج تحقیق تأثیرگذار نباشد.

منابع

- آفاگل‌زاده، ف. و غیاثیان، م. (۱۳۸۶). رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی. *فصلنامه زبان و زبان‌شناسی*، ۵ (۳)، ۳۹-۵۴.
- جنابادی، ح. و عزیزی‌نژاد، ب. (۱۳۹۵). الگویابی ساختاری تأثیر کیفیت زندگی کاری بر اعتیاد به کارا اعضای هیئت‌علمی دانشگاه، *نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۳۵ (۴)، ۱۰۱-۱۱۶.
- چیت‌سازان، ا. (۱۳۸۸). *آموزش عالی در گستره تاریخ و تمدن اسلامی*، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خورسندی طاسکوه، ع. (۱۳۹۶). تحلیل انتقادی ماهیت استقلال سازمانی دانشگاه در ایران. *مجموعه چکیده مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه؛ چالش‌ها و راهبردها*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- زاهدی‌اصل، م. (۱۳۹۶). مفهوم استقلال دانشگاه، مبانی حقوقی، موانع و محدودیت‌ها، *مجموعه مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه‌ها: چالش‌ها و راهبردها*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

- سیاسی، ع. (۱۳۸۷). گزارش یک زندگی. تهران: اختران.
- ضیایی بیگدلی، م. (۱۳۹۶). استقلال دانشگاه‌ها؛ خصیصه ذاتی یک دانشگاه سرآمد، مجموعه مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه‌ها: چالش‌ها و راهبردها، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- غیاثی ندوشن، س. و خلیلی، ا. (۱۳۹۷). دولت و استقلال دانشگاه، فصلنامه دولت پژوهی، ۴ (۲)، ۱۸۳-۲۳۲.
- فاضلی، ن. (۱۳۹۳). فرهنگ و دانشگاه، تهران: ثالث.
- فراستخواه، م. (۱۳۸۹). دانشگاه و آموزش عالی؛ منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی، تهران: نی.
- فراستخواه، م. (۱۳۹۶). استقلال دانشگاهی در ایران؛ پیش برنده‌ها و بازدارنده‌ها، مجموعه مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه‌ها: چالش‌ها و راهبردها، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- هاشمی، م.؛ افجه‌ای، ع.؛ دهقانان، ح. و خاشعی، و. (۱۳۹۶). طراحی مدل تصویرسازی سازمانی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۱ (۴)، ۲۳۱-۲۶۰.
- همایون آریا، ش.؛ یمنی دوزی سرخابی، م. و صفری فارفار، ر. (۱۳۹۱). بررسی تحلیلی وضعیت توسعه مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی در طول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۸۸ - ۱۳۸۴، نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۶ (۲)، ۱۳۱-۱۶۹.
- یاسپرس، ک. (۱۳۹۴). ایده دانشگاه، ترجمه مهدی پارسا و مهرداد پارسا، تهران: ققنوس.

- Bergan, S. (2018). Academic freedom and institutional autonomy, *iau Horizons*, 27 (2), 29-35.
- Bladh, A. (2018). Let the views be heard,? *iau Horizons*, 27 (2), 36-44.
- Bologna Group. (2016). Academic freedom and institutional autonomy: what role in and for the EHEA, *Bologna Follow-Up Group*, December, 1-11.
- Brief, E. (2017). Modernisation of Higher Education in Europe: Academic Staff 2017, Education, *Audiovisual and Culture Executive Agency*, 11-49.
- Brubacher, J. S. (1977). *On The Philosophy of Higher Education*. San Francisco: Jossey – Bass Publisher.
- Estermann, T. (2017). *University Autonomy in Europe III: Country Profiles*, Brussels: European University Association.
- Fairclough, N. (2010). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*, London: Longman.
- Fairclough, N. (2012). Critical discourse analysis, *International Advances in Engineering and Technology (IAET)*, 7 (2), 452-487.
- Hayes, D. (2016). Towards a Philosophy of Academic Freedom, *Civitas 2016*, 55 (3), 65-81.
- Javdani, H., Tofghi, J., Ghazi Tabatabaee, M., & Pardakhtchi, M. (2008). Managerial Subsystem in Iranian Higher Education: Past, Present and Future. *Quarterly Journal Research and Planning in Higher Education*, 14(2), 139-16.

- Kothbauer, M. (2008). Autonomy and its Challenges in a World of Global education, Austria: *International Association of University Governing Bodies*.
- Martin, M. (2018) Increased autonomy for universities in Asia: what were the effects? *iau Horizons*, 22 (2), 22-23.
- Mehta, R. (2005). *Autonomy in higher education: meanings and goals Purpose*, New Delhi: Sarup and Sons.
- Michavila, F., & Martinez, J. (2018). Excellence of Universities versus: Autonomy, Funding and Accountability, *European Review*, 26 (1), 48-56.
- Rogers, R. (2011). *An Introduction to Critical Discourse Analysis in Education*, Louis: University of Missouri.
- Serkan, I., Ferda, O., & Emin, M. (2016). An exploratory study on University Autonomy: A comparison of Turkey & some European union countries, *Journal of educational and instructional studies in the word*, 6 (3), 79-90.
- Sufean, H., & Wong, S. (2014). University Autonomy: what academics think about it, *International Refereed Research Journal*, 5 (2), 107-120.
- Wodak, R. (2011). *Critical Discourse Analysis*, London: Continuum.